

خشونت پلیس در جامعه آمریکا با تمرکز بر اقلیت‌ها

دکتر سیدرضا میرطاهر^۱، محمد جواد بختیاری^۲

چکیده

این مقاله بر آن است با نگاهی اجمالی به تاریخ نژادپرستی در آمریکا به وقایع جامعه آمریکا که منجر به کشته شدن تعدادی از اقلیت‌های نژادی در این کشور توسط پلیس شده است، پردازد و دلایل خشونت پلیس آمریکا، علیه اقلیت‌ها را ریشه‌یابی نماید. همچنین ابعاد مختلف خشونت‌های پلیس علیه اقلیت‌های سیاه پوست، سرخ پوست، لاتین تبار، زرد پوست، مسلمان و یهودیت ضد صهیونیست به اجمال بررسی می‌گردد. نخست با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی، مقالات و داده‌های موجود در مورد خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها فیش برداری و اطلاعاتی کلی از رفتار پلیس با سیاهان، لاتین تبارها و سرخ پوستان، زرد پوستان و مسلمانان و یهودیان ضد صهیونیسم گردآوری شده و سپس به اجمال دلایل عمده این خشونت‌ها بررسی شده است. خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌های این کشور و حتی مظنونان کودک و نوجوان گروه‌های اقلیت، نگرانی‌های زیادی در جامعه آمریکا به وجود آورده است. به نظر می‌رسد این مسئله سابقه در نژادپرستی ریشه‌داری دارد که از دیرباز در ایالات متحده آمریکا، حکمفرما بوده است. از سوی دیگر، خشونت به کار گرفته شده از سوی پلیس آمریکا (سبوعیت پلیسی)، بازتابی از خشونت نهادینه شده در جامعه این کشور است.

کلید واژه‌ها: آمریکا، اقلیت‌ها، خشونت پلیس، نژادپرستی

Email: rmirtaher@gmail.com

^۱. نویسنده مسئول: دکترای مدیریت استراتژیک، تهران، ایران.

Email: bakhtiari.m.j@ut.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری مطالعات آمریکا دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بیان مسئله

خشونت پلیس علیه اقلیت‌ها در آمریکا، سابقه در نژادپرستی ریشه‌داری دارد که از دیرباز در ایالات متحده آمریکا حکمفرما بوده است. با این حال در سال‌های اخیر (به ویژه ۲۰۱۴-۲۰۱۵ میلادی)، تنش‌ها در جامعه آمریکا بر سر رفتار خشونت‌آمیز و بی‌رحمی نیروهای پلیس به ویژه در جریان قتل یک نوجوان سیاه پوست آمریکایی به دست افسر پلیس سفید پوست در حادثه فرگوسن هرچه بیشتر نمودار شد. از آنجا که این اقلیت‌ها، طیف گسترده‌ای از نژادها و قومیت‌ها را شامل می‌شوند از سیاه‌پوستان گرفته تا سرخ‌پوستان، زردپوستان، مردمان آمریکای لاتین و مسلمانان؛ مسئله خشونت پلیس در آمریکا توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده است و از نگرانی‌های همه سازمان‌های بین‌المللی و نیز سایر کشورها به شمار می‌آید. از این رو، از مقولات مهمی است که باید به طور ویژه از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته شود. اقلیت‌های جامعه آمریکا در کنار سفیدپوستان آمریکایی در زمره بدنه اصلی تشکیل دهنده جامعه آمریکا به شمار می‌روند. تقسیم‌بندی‌های مختلفی از اقلیت‌ها در آمریکا وجود دارد. در این مقاله، اقلیت‌های مورد نظر در شش گروه سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان، لاتین‌تبارها، زردپوستان، اقلیت مسلمان و اقلیت یهودیان ضد صهیونیسم تقسیم‌بندی شده‌اند.

پرسش اصلی

- دلایل خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها چیست؟

پرسش‌های فرعی

- این خشونت‌ها نسبت به اقلیت‌های مختلف به چه صورت است؟
- با توجه به تاریخ طولانی برده‌داری در آمریکا، پیوند تاریخی گذشته این کشور با خشونت‌های امروزه پلیس آمریکا چیست؟

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی این پژوهش این است که یکی از دلایل خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها، پیشینه طولانی نژادپرستی سفید پوستان در این کشور است که موجب شده است نژادپرستی در بطن حکومت آمریکا ریشه بدواند. همچنین دلایل فرهنگی و اقتصادی در کنار دلایل اجتماعی، سوء ظن به اقلیت‌ها از سوی پلیس و در نتیجه اعمال خشونت به آنان را بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، از فرضیه‌های ثانویه این پژوهش می‌توان به تفاوت در میزان خشونت‌هایی اشاره کرد که پلیس در برابر اقلیت‌های مختلف اعمال می‌کند؛ بدین معنی که اقلیت‌هایی همچون سیاه پوستان، سرخ پوستان، مسلمانان و حتی لاتینوها بیشتر در معرض برخورد خشونت آمیز پلیس قرار دارند.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها، عمده داده‌های موجود در قالب اخبار این حوادث است که در رسانه‌های مختلف، منتشر شده است. کتب مناسبی نیز در این زمینه می‌توان یافت که حول محور خشونت پلیس در جامعه آمریکا نگاشته شده‌اند به عنوان مثال «خشم سیاهان در نیوآرلینز» اثر لئونارد مور^۱ (۲۰۱۰) به واکاوی خشونت پلیس علیه آفریقایی-آمریکایی‌ها از زمان جنگ جهانی دوم تا طوفان کاترینا می‌پردازد. همچنین «برادری فساد» نوشته خوان آنتونیو ژورس^۲ (۲۰۰۴) به بررسی اعترافات پلیس در اعمال خشونت علیه اقلیت‌ها پرداخته است. هارینگ^۳ و همکارانش در سال ۱۹۷۷ میلادی در مقاله‌ای به بررسی «مدیریت کشتارهای پلیس آمریکا» پرداخته‌اند. انگیزه آنان در نگارش این مقاله، کشتار بی‌شمار سیاه پوستان آمریکایی توسط پلیس این کشور بوده است. بررسی مقتولان سفید پوست و سیاه پوست در آمریکا و آمارهای ارائه شده در این باره نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی کشتار سیاه پوستان به دست پلیس آمریکا

¹ Leonard Moore

² Juan Antonio Juarez

³ Harring

نه برابر بیشتر از سفید پوستان بوده است که توسط پلیس کشته شده بودند (Harring, Platt, Speiglmán. & Takagi, 1977. p.1).

بر اساس بررسی‌های کوبلر^۱، جامعه شناس آمریکایی که در سال ۱۹۷۵ میلادی انجام گرفته است، بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹ میلادی در مجموع، درصد سیاه پوستان کشته شده توسط پلیس آمریکا بیشتر از سفید پوستان بوده است. بر اساس آمارهایی که او از صفحه حوادث روزنامه‌ها در مورد افراد کشته شده به دست پلیس گردآوری کرده بود، ۴۵ درصد از کشته شدگان سیاه پوست، ۱۳ درصد آمریکایی-اسپانیایی (لاتین تبارهای آمریکا) و ۴۲ درصد نیز سفید پوست بودند (Kobler, 1975). البته مشخص نیست در میان ۴۲ درصد چه تعدادی مسلمان و یا یهودی ضد صهیونیسم وجود دارد. احتمالاً در این بررسی، زرد پوستان و سرخ پوستان نیز در آمارهای مربوط به سفید پوستان لحاظ شده‌اند، زیرا به طور جداگانه از آنان اسمی برده نشده است. در این میان در مطالعه‌ای که در ارتباط با قتل اقلیت‌ها به دست پلیس آمریکا انجام شده است، ۳۰ درصد از مظنونانی که توسط پلیس کشته شده‌اند کاملاً بی‌گناه بوده‌اند و عامل قتل تنها سوءظن بی‌مورد و اشتباه پلیس به آن‌ها بوده است. همچنین ۲۷ درصد از آن‌ها مظنون به ارتکاب جرائم خرد بوده‌اند و تنها ۲۰ درصد از کشته‌شدگان در حین ارتکاب جرائم عمده کشته شده‌اند (Doak, 2008).

اقلیت‌ها در آمریکا

بنا بر نظرسنجی‌ها، سفید پوستان نظر مساعدی به پلیس و حتی رفتار خشونت‌آمیز پلیس دارند. آنان حتی معتقدند که پلیس باید بر شدت سختگیری‌های خود به مجرمان بیفزاید. در این رابطه باید به نظرسنجی سال ۲۰۰۰ میلادی اشاره نمود که بر طبق آن ۴۸ درصد سفید پوستان معتقدند که سیاه پوستان ذاتاً مجرم هستند. به همین دلیل آنان هرگونه انتقاد از خشونت‌های پلیس را مخالف با منافع ملی آمریکا می‌دانند. در مقابل آفریقایی-

¹ Kobler

آمریکایی‌ها و اسپانیایی تبارهای آمریکا به خشونت پلیس بیشتر از منظر سلطه طبقاتی سفید پوستان بر آمریکا می‌نگرند و به همین دلیل به هر اتفاقی که منجر به قتل یکی از هم نژادی‌هایشان می‌شود به سرعت و به شدت واکنش نشان می‌دهند (Weitzer & Tuch, 2004, p. 306).

طبق آمار اداره سرشماری و جمعیت ایالات متحده در سال ۲۰۰۶ میلادی، جمعیت آمریکا سیصد میلیون نفر تخمین زده شده است که از این تعداد، ۱۹۸،۷ میلیون نفر (۶۶،۴ درصد) را سفیدپوستان تشکیل و ۳۳،۶ درصد بقیه را اقلیت‌ها و سایر گروه‌های قومی تشکیل می‌دهند (Doak, 2008, p. 1). در سال ۲۰۱۴ میلادی، جمعیت آمریکا ۳۱۸ میلیون و ۸۷۴ هزار بوده است که از این تعداد ۱۹۸ میلیون و صد و سه هزار نفر ۶۲،۲ درصد را سفید پوست و ۳۷،۸ درصد را اقلیت‌ها تشکیل داده‌اند. در این میان سیاه پوستان ۴۲،۰۳۹ هزار نفر (۱۳،۲ درصد) بوده‌اند. این تغییرات جمعیتی در سال ۲۰۱۵ میلادی به نقل از تارنمای رسمی آمار ایالات متحده آمریکا در آن درصد جمعیتی سفید پوستان باز هم کاهش داشت (Colby and Ortman, 2015).

از دهه هفتاد میلادی به بعد، ازدواج میان سفید پوستان و رنگین پوستان در جامعه آمریکا شایع شده است. ادغام نژادی در کنار مهاجرت‌های گسترده‌ای که از سراسر جهان به ویژه از کشورهای آمریکای لاتین به آمریکا انجام می‌گیرد، روندهای جمعیتی و تعریف اقلیت‌ها را در این کشور با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌کند. با این حال، اداره آمار و جمعیت آمریکا در سرشماری‌های سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی خود، جمعیت آمریکا را به چهار گروه جمعیتی تقسیم‌بندی نمود: سفید پوست، سیاه پوست، بومیان (شامل سرخ پوستان و بومیان آلاسکا) و نژاد آسیایی. همچنین به این تقسیم‌بندی، بعدها اقلیت‌های دیگری نیز اضافه شدند که البته در سرشماری به طور جداگانه آمارگیری نمی‌شوند. به طور مثال، یهودی‌ها و مسلمانان خود در زمره گروه‌های اقلیتی آمریکا هستند که در سرشماری‌های اداره آمار آمریکا، همراه با سایر گروه‌ها سرشماری می‌شوند. این‌گونه سرشماری‌ها، برنامه‌ریزی‌های دولت‌های فدرال را در ایالت‌های مختلف آمریکا منسجم‌تر می‌نماید. با این

حال، این نوع تقسیم‌بندی نارضایتی بسیاری از اقلیت‌ها را در آمریکا به همراه داشته است. به طور مثال، عرب‌های ساکن آمریکا که از کشورهای خاورمیانه (غرب آسیا) مهاجرت کرده‌اند در این تقسیم‌بندی، همچون یهودیان در زمره سفید پوستان آمریکا قرار می‌گیرند و با وجود تفاوت‌های عمیق جمعیتی، تحت یک نوع برنامه‌ریزی ایالتی قرار می‌گیرند.

تبعیض علیه اقلیت‌های نژادی در آمریکا

آمریکا، توسط مهاجران اروپایی و به ویژه انگلیسی‌پی‌ریزی شد و از طریق سیستم برده‌داری، خرید و فروش بردگان و پیشبرد کارها توسط بردگان به سرعت پیشرفت کرد. نقش چهار گروه اقلیتی، سیاهان به عنوان برده و کارگران سخت کوش مزارع و دیگر بخش‌های اقتصاد آمریکا، سرخ پوستان به عنوان ساکنان اولیه این قاره، مردمان فقیر اما پرتلاش آمریکای لاتین که در سده گذشته از راه‌های مختلف چه به صورت قانونی و چه غیر قانونی به ایالات متحده سرازیر شدند و نیز اقلیت زرد پوست آسیایی که به دلیل دستمزد کم و دقت و سرعت بالای آنان در صنایع مختلف آمریکا به کار مشغول شدند، در سراسر تاریخ آمریکا مشهود و غیر قابل انکار است. در حقیقت سفید پوستان اروپایی، پیشرفت و مدرنیته کنونی ایالات متحده را به طور وسیعی مدیون حضور این چهار اقلیت رنگین پوست در کنار خود هستند. با این حال اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا که در عین حال اقتصادی به اصطلاح لیبرال است، امکان پیشرفت معیشتی را در سطح کلان برای این گروه‌های اقلیتی فراهم نمود و حتی به سرکوب آنان از طرق مختلف پرداخت. این اقتصاد سرمایه‌داری، نه تنها گریبان‌گیر اقلیت‌ها شده بلکه به طور وسیعی سایر مردم آمریکا را نیز در بر گرفت که حاصل آن خشم گسترده مردمی بود که در قالب جنبش وال استریت نمایان شد، هر چند راه به جایی نبرد. در حالی که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، شعار معترضان وال استریتی این بود که ما شهروندان عادی آمریکا ۹۹ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهیم و یک درصد بقیه را ثروتمندان تشکیل می‌دهند- اما تنها ۱ درصد از ثروت این کشور را در دست داریم و ۹۹ درصد ثروت در دست صاحبان سرمایه است؛

امروزه نیز این روند همچنان در آمریکا تداوم دارد. در واقع، این شعار به عنوان نمادی از تبعیض طبقاتی موجود در آمریکا به شمار می‌رود.

طعم این فقر را اقلیت‌هایی تجربه می‌نمایند که از دیرباز مورد تبعیض نژادی قرار گرفته‌اند و فقر، جرم، زندان رفتن و در نتیجه خشونت پلیس علیه آنان رابطه‌ای دو سویه دارند و به هم گره خورده است. به علت سیاست‌های تبعیض‌آمیز در آمریکا، سیاه‌پوستان در حالی که حدود ۱۲ درصد جمعیت این کشور هستند ولی ۵۰ درصد از مجرمان آمریکا را تشکیل می‌دهند (Worrall, 2014).

تبعیض و در نتیجه خشونت، علیه زنان سیاه‌پوست نیز وجود دارد و این عوامل همگی به شکل نهادینه شده‌ای، دایره‌وار مدام در حال تکرار است. بدین ترتیب که فقر سیاهان موجب بزه و یا قصد انجام جرم در میان گروه زیادی از آنان می‌شود. این آمار بالای بزه سیاه‌پوستان موجب سوءظن پلیس به تمامی جمعیت سیاه‌پوست می‌شود که نتیجه آن خشونت پلیس علیه آنان و زندانی شدن آنان است. با این عمل تبعیض نژادی به تبعیض جنسیتی در مورد زنان سیاه‌پوست تبدیل می‌شود به گونه‌ای که با زندانی شدن مردان سیاه‌پوست، زنان آنان برای تأمین معیشت خانواده که اغلب تعداد زیادی فرزند را در بر می‌گیرد دست به کارهای مختلف از جمله خودفروشی و روسپی‌گری می‌زنند و در نتیجه دوباره به کامل شدن چرخه بزه در محله‌های سیاه‌پوست‌نشین و گسترش نگرش منفی درباره سفیدپوستان به سیاهان کمک می‌کنند. با به زندان افتادن آن‌ها این الگوی رفتاری به فرزندان منتقل می‌شود که در نهایت راهی برای توقف آن وجود ندارد. شکاف طبقاتی گسترده‌تر و محلات و ایالت‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند. به گونه‌ای که وقتی یک استاد دانشگاه سیاه‌پوست وارد محله مرفه سفیدپوست می‌شود تمامی نگاه‌ها متوجه او می‌شود و تمامی حرکات و رفت و آمدهای او زیر نظر گرفته می‌شود.

در حقیقت به چهار اقلیت ذکر شده که اقلیت‌های رنگین‌پوست آمریکایی هستند، باید اقلیت پنجم و ششمی را اضافه نمود و آن اقلیت مسلمان و اقلیت یهودیان ضد صهیونیسم است. یهودیت با صهیونیسم به معنایی که اسلام با آن مخالف است متفاوت است.

در واقع، نژادپرستی به ویژه علیه سیاهان از واقعیات جاافتاده و نظامند آمریکا است. نژادپرستی در آمریکا با تاریخ برده‌داری این کشور گره خورده و به سده‌های هفده میلادی به بعد باز می‌گردد اگرچه قرن‌ها از زمان قانون «برده‌داری» گذشته ولی همچنان نژادها و قومیت‌های مختلف در این کشور از سیاهان گرفته تا سایر مهاجران، همواره به نژادپرستی موجود در آمریکا معترض‌اند. امروزه آمریکایی‌ها خود به این مسئله معترف‌اند: «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست این کشور، در جریان کشته شدن یک نوجوان سیاه پوست ۱۸ ساله به دست یک مأمور سفید پوست پلیس و بی‌گناه شناخته شدن آن مأمور در دادگاه گفت: کمتر کسی از آمریکایی - آفریقایی‌های حاضر در آمریکا را می‌توان یافت که بد رفتاری پلیس و یا تعقیب شدن از سوی آن‌ها را تجربه نکرده باشد و من خودم هم این موضوع را تجربه کرده‌ام (People, 2014).

این در حالی است که تبعیض هدفمند علیه سیاه‌پوستان در آمریکا به وسیله پلیس و دستگاه قضایی این کشور و سرکوب اعتراضات مردم، نشان بارزی از نقض حقوق بشر و به ویژه نقض حقوق رنگین‌پوستان در آمریکاست. این در حالی است که آمریکا گزارش‌های متعددی از نقض حقوق بشر در کشورها و دولت‌های مستقل منتشر می‌کند. اعمال خشونت پلیس آمریکا علیه شهروندان این کشور و حتی مظنونان کودک و نوجوان، نگرانی‌های زیادی را در آمریکا به دنبال آورده است. پلیس در هر کشوری بر اساس وظیفه ذاتی خود، مسئول تأمین امنیت شهروندان و مبارزه با بزهکاری است. در حالی که به نظر می‌رسد پلیس آمریکا، خود به عاملی در برهم خوردن نظم عمومی و ایجاد هراس اجتماعی بدل شده است. البته بر اساس اسناد و مدارک تاریخی از نوع رفتار مأموران پلیس در آمریکا، چنین برمی‌آید که خشونت اعمال شده از سوی پلیس موضوع جدیدی نیست و همواره برخی از مأموران تأمین امنیت در این کشور، رفتار خشن و خارج از ضوابط داشته‌اند. با این حال با گسترش ابزار و ادوات ضبط تصاویر به ویژه با استفاده روزافزون از تلفن‌های همراه دوربین‌دار، امکان مطلع شدن افکار عمومی از چنین رفتارهایی بیش از گذشته مهیا شده است (Smith & Holmes, 2014).

از سوی دیگر، خشونت به کار گرفته شده از سوی پلیس آمریکا، بازتابی از خشونت نهادینه شده در جامعه این کشور است. به عبارت دیگر به موازات افزایش خشونت‌ها در جامعه و مسلح‌تر شدن شهروندان آمریکایی، پلیس نیز برای برخورد با مظنونان و همچنین حفظ جان خود به سرعت دست به اسلحه می‌برد و بارها هر فرد مشکوکی را بلافاصله پس از احساس خطر به قتل رسانده یا مورد ضرب و شتم قرار داده است.

به عبارت دیگر، جامعه آمریکا گرفتار دور بسته‌ای از خشونت شده است که خشونت تبهکاران، خشونت پلیس را تقویت می‌کند و با خشونت اعمال شده از سوی پلیس، تبهکاران به استفاده از شیوه‌های مؤثرتر خشونت روی می‌آورند. در این میان، شهروندان عادی یا قربانی تبهکاران مسلح و بیماران روانی می‌شوند یا در مواجهه با پلیس آسیب می‌بینند (Weitzer & Tuch, 2004).

البته سال‌ها سهل‌انگاری و مسامحه مقامات ارشد پلیس در برخورد با مأموران متخلف، موجب شده است تا افراد شاغل در تشکیلات پلیس، نوعی مصونیت احساس و تقریباً بدون ترس از دادگاه و محاکمه، خشونت را در جامعه جاری نمایند. در برخی از موارد جنجالی برخورد خشن پلیس با شهروندان، مشخص شده است که تعدادی از این مأموران سوء سابقه داشتند و پرونده‌هایی علیه آنان تشکیل شده بود. با این حال، بنا به دلایلی از جمله تلاش برای سالم نشان دادن نهاد پلیس، پلیس‌هایی فاقد صلاحیت همچنان به ایفای وظایف می‌پرداختند. به هر حال، رهایی جامعه آمریکا از پلیس‌های خشن به اقداماتی فراتر از حساسیت‌های رسانه‌ای یا برخورد با تعدادی پلیس متخلف نیاز دارد. از سال ۲۰۱۴ میلادی به ویژه پس از حوادث شهر فرگوسن، قدم‌هایی در راستای سالم‌سازی تشکیلات پلیس آمریکا برداشته شده است که نتیجه آن برکناری و محاکمه پلیس خلافکار شهر چارلستون^۱ بوده است. با این حال، به نظر نمی‌رسد این اقدامات بتواند از تکرار سریالی رفتارهای خشن پلیس آمریکا بکاهد (ابوالفتح، ۱۳۹۴).

^۱ Charleston

آمار دقیقی از موارد خشونت پلیس در آمریکا در دست نیست. یکی از معدود آمارهای موجود گزارش اداره آمار قضایی آمریکا است که در سال ۲۰۰۲ میلادی منتشر شد. بر اساس این گزارش از ۲۶۵۵۶ پرونده شکایت در مورد استفاده مفرط از زور توسط پلیس، حدود ۲۰۰۰ مورد، واجد بررسی بیشتر بوده‌اند (فرارو، ۱۳۹۱).

این در شرایطی است که بسیاری از موارد خشونت پلیسی در آمریکا گزارش نمی‌شوند. بر اساس گزارش سال ۱۹۹۸ میلادی دیده‌بان حقوق بشر، روند شکایت برای شاکیان در آمریکا «سخت و تهدیدآمیز» است. همچنین یک گزارش جدید از عفو بین‌الملل حاکی از عادی بودن خشونت پلیسی در زندان‌های آمریکا بوده است. در سال ۱۹۹۰ میلادی یک سازمان دیده‌بان پلیس برای کنترل تخصصی سوءرفتارها و خشونت پلیس، چندین زیر شاخه با نام «کاپ واچ»^۱ تأسیس شد که چند مورد بحث برانگیز خشونت پلیس آمریکا را برملا ساخت (Mirzoeff, 2002).

در واقع بسیاری از خشونت‌های پلیسی به دلیل سختی روند قضایی و تهدیدآمیز بودن آن برای شاکیان، گزارش نمی‌شوند و جامعه آمریکا از آن‌ها مطلع نمی‌گردد. با وجود این مواردی از خشونت پلیسی علیه شهروندان عادی برملا شده که جامعه آمریکا را شوکه کرده و موجب رسوایی پلیس آمریکا شده‌اند.

در آینده‌ای نزدیک، جامعه آمریکا در حال تجربه نوعی چرخش جمعیتی است که در اثر آن بر تعداد سیاه پوستان و لاتین تبارها به میزان زیادی افزوده می‌شود (Colby and Ortman, 2015). بدین ترتیب، هم اکنون نگرشی در روابط بین‌الملل و برنامه‌ریزی‌های راهبردی کشورها در ارتباط با سیاه پوستان و همچنین آمریکایی‌های لاتین تبار در حال شکل‌گیری است. بدین ترتیب، همان‌گونه که در مقابل بُهت سفید پوستان در سال ۲۰۰۸ یک سناتور سیاه پوست، از به دست گرفتن قدرت در آمریکا سخن گفت و توانست ریاست جمهوری این کشور را به دست بگیرد در آینده‌ای نزدیک نیز ممکن است،

^۱ Cop Watch

سیاست‌مداری از یکی از اقلیت‌های آمریکا که به احتمال زیاد از اقلیت لاتین تبار خواهد بود بر مسند رئیس‌جمهوری این کشور تکیه زند. این امر سبب می‌شود روابط راهبردی آمریکا با کشورهایی با جمعیت سیاه پوست و یا کشورهای آمریکای لاتین، دچار تغییراتی شود. از دیگر سو، گرایش به خشونت در داخل آمریکا، ادعاهای واشنگتن را مبنی بر ایجاد دموکراسی در سایر نقاط جهان زیر سؤال می‌برد؛ زیرا پُر واضح است که آمریکا در این زمینه حتی در تحقق دموکراسی در درون کشور خود و از میان بُردن نژادپرستی ریشه‌دار علیه اقلیت‌ها در آن ناتوان بوده است و این دلیل محکمی است بر این‌که این کشور نمی‌تواند الگویی برای نظام جهانی باشد. تبعیض نژادی موضوعی است که امروزه نگرانی‌های بسیاری را در جامعه آمریکا ایجاد نموده است و باید درخواست سیاه پوستان، سرخ پوستان و سایر اقلیت‌ها که خواستار عدالت و رفع تبعیض نژادی هستند، شنیده شود و بر اساس موازین حقوق بشری به آن پاسخ داده شود.

خشونت علیه سیاه پوستان

در سال ۲۰۱۵ میلادی در مدت هشت ماه، بیش از ششصد نفر در سراسر ایالات متحده به ضرب گلوله پلیس جان خود را از دست داده‌اند. همچنین در اوت ۲۰۱۵ میلادی، ۸۵ نفر توسط نیروهای پلیس ایالات متحده آمریکا کشته شده‌اند که ۲۴ نفر از این قربانیان سیاه پوست و در زمان قتل، غیر مسلح بوده‌اند. افزایش فزاینده خشونت پلیس و کشته شدن مردم بی‌گناه به ویژه سیاه پوستان و توجه دو چندان به این موضوع باعث شده است که دولت آمریکا در مورد میزان قربانیان خشونت مسلحانه پلیس شفاف نباشد (پایگاه خبری پلیس، ۱۳۹۴). با جست‌وجو در میان صفحات اینترنت و پایگاه‌های خبری مختلف، می‌توان نمونه‌های بی‌شماری از خشونت پلیس آمریکا علیه سیاه پوستان را که شمار زیادی از آن‌ها منجر به کشته شدن افراد بی‌گناه سیاه پوست شده است یافت. با این حال به نظر می‌رسد آمار دقیقی از تعداد سیاه پوستان کشته شده در دسترس نیست. کشته شدن سیاه

پوستان و نیز سایر اقلیت‌های بیگانه به دست پلیس، همواره یک چالش امنیتی جدی در آمریکا به شمار می‌آید که دولت تمامی تلاش خود را در کتمان آن به کار می‌بندد. در پی اعلام رأی دادگاه آمریکا در تبرئه «دارن ویلسون»^۱، افسر پلیس سفید پوست و عامل قتل یک نوجوان سیاه پوست در شهر فرگوسن در سال ۲۰۱۴ میلادی، آشوب‌های گسترده‌ای بیشتر شهرهای آمریکا را فرا گرفت. این اعتراضات رفته رفته گسترش پیدا کرد تا جایی که در مدت چند روز، سراسر آمریکا را در بر گرفت. شدت اعتراضات در برخی از شهرهای آمریکا به ویژه در ایالت میسوری^۲ به حدی بود که گارد ملی آمریکا برای سرکوب این اعتراضات به منطقه اعزام شد. حاضران در این اعتراضات، علیه نژادپرستی پلیس و حکومت آمریکا شعار دادند و حتی در برخی از شهرها تظاهرات کنندگان آمریکایی پرچم آمریکا را آتش زدند (Clarke, 2014). در نمونه دیگری، در خرداد ماه سال ۱۳۹۱ (ژوئن ۲۰۱۲ میلادی) جسد «رادنی کینگ»^۳، مرد سیاه پوستی که برخورد وحشیانه پلیس لس‌آنجلس با وی ناآرامی‌های ۲۰ سال قبل را در آن شهر احیا کرد در منزلش پیدا شد. این خبر به سرعت تبدیل به تیتر یک رسانه‌های خبری در آمریکا شد. وقتی پلیس‌های ضارب کینگ شناسایی و دستگیر شدند، قاضی دادگاه تنها به صرف این‌که پلیس‌ها ادعا می‌کنند قصد شوخی داشتند و به دلیل مصرف الکل، متوجه پیامد شوخی خود نشدند، رأی به تبرئه چهار پلیس داد (Post, 2012). این حکم دادگاه ایالتی، موجی از خشم و خشونت و اعتراض مردم لس‌آنجلس را برانگیخت تا جایی که سراسر این شهر به آشوب کشیده شد و پلیس با تمام قوا و با آخرین تجهیزات وارد صحنه شد. سرانجام این شورش ۶ روزه پس از کشته شدن ۵۵ نفر و زخمی شدن بیش از دو هزار نفر با دخالت گارد ملی ارتش و تفنگداران دریایی آمریکا فروکش کرد (فرارو، ۱۳۹۱).

¹ Darren Wilson

² Missouri

³ Rodney king

در ماه ژوئن سال ۱۹۹۹ میلادی، «لاتانیا هگرتی»^۱ یک دختر نوزده ساله سیاه پوست که در حال صحبت با تلفن همراه در یک ماشین بود با شلیک پلیس به قتل رسید. پلیس ضارب با این ادعا که تلفن همراه او را با اسلحه اشتباه گرفته بود، تبرئه شد. همچنین یک روز پس از آن ماجرا پلیس شیکاگو، «رابرت رأس» یک نوجوان سیاه پوست را که در حال ملحق شدن به تیم فوتبال مدرسه‌شان بوده و به همین دلیل به دستور پلیس برای پیاده شدن از ماشین توجه نکرده بود، به قتل رساند. همچنین در موردی مشابه در نیویورک، پلیس یک نوجوان سیاه پوست به نام «دانت جانسون»^۲ را که با دوستش در حال قدم زدن در خیابان بود به ضرب گلوله از پشت به قتل رساند (Amnesty International, 1999). تاریخ آمریکا قضایایی از این دست را بارها به خود دیده است.

خشونت علیه سرخ پوستان

در رابطه با رفتارهای خشن آمریکایی‌ها با سرخ پوستان که ساکنان اولیه این سرزمین بوده‌اند، اسناد متعددی وجود دارد. امروزه نیز رفتارهای خشونت‌آمیزی که از دیرباز علیه سرخ پوستان وجود داشته است در برخوردهای پلیس سفید پوست آمریکا با آنان دیده می‌شود. تارنمای «سی ان ان» به نقل از منابع دولتی آمریکا، دست به افشای اطلاعاتی زد که بر مبنای آن مشخص شد دولت آمریکا با آزمایش‌های خطرناک رادیواکتیوی که روی جمعیت سرخ پوستان انجام می‌داد، از آن‌ها به عنوان موش‌های آزمایشگاهی استفاده کرده است. همچنین در کتاب «چهره عریان آمریکا» اثر «روژه کان»^۳، از تبعیض‌های زیادی که دولت ایالات متحده آمریکا علیه سرخ پوستان این کشور انجام داده، پرده برداشته شده است. کان در این کتاب می‌نویسد: «از زمانی که ایالات متحده شکل گرفته تاکنون بیشتر از ۴۰۰ قرارداد با جمعیت سرخ پوست بسته شده که دولت آمریکا به هیچ کدام از آن‌ها

¹ LaTanya Haggerty

² Dante Johnson

³ Roger Cans

عمل نکرده است» (جهان اسلام، ۱۳۹۳). قتل «کلی توماس»^۱ سرخ پوست بی‌خانمان مبتلا به اسکیزوفرنی به دست شش پلیس آمریکا از نمونه‌های خشونت پلیس با این اقلیت بود.

خشونت علیه لاتین تبارها

در سال ۱۹۷۷ میلادی، سیزده درصد از کل افرادی که در آمریکا به دست پلیس این کشور کشته شده‌اند از اقلیت لاتین تبار ساکن آمریکا بودند. «جو کمپوس تورس»^۲، یکی از سربازان اسپانیایی-آمریکایی بود که در جریان جنگ ویتنام برای آمریکا جنگید؛ با این حال مورد تجاوز وحشیانه پلیس قرار گرفت و در اثر جراحات به کام مرگ افتاد (Harring, 1977, pp. 9-10).

در سال ۱۹۹۹ میلادی، یک گروه از افسران پلیس ال نورت^۳ به خانه‌ای در یک محله مکزیکی نشین یورش بردند و یکی از اعضای این خانواده لاتین تبار را که همگی غیر مسلح بودند بدون هیچ مدرک و حتی اختطاری به طرز وحشیانه به قتل رساندند. در سال ۲۰۰۷ میلادی در جریان اعتراضات لاتین تبارها در یکی از محلات لس‌آنجلس که به محله لاتینوها و اسپانیایی‌ها معروف است، پلیس بی‌رحمانه به سرکوب بیش از شش هزار لاتین تبار پرداخت. اقلیت لاتین تبار به صورتی کاملاً آرام و به دور از خشونت در اعتراض به اوضاع مهاجران مکزیکی و لاتین تبارها در آمریکا تظاهرات کرده بودند، پلیس در حالی که می‌دانست بسیاری از زنان و کودکان و حتی مردان در این محله، هیچ‌گونه آشنایی با زبان انگلیسی ندارند به انگلیسی به آن‌ها هشدار داد تظاهرات را پایان دهند. این اقلیت لاتینو که بسیاری از آنان مهاجران تازه از راه رسیده مکزیکی بودند و آشنایی بسیار کمی با زبان انگلیسی داشتند و اصلاً متوجه هشدار پلیس نشده بودند، با برخورد خشونت‌آمیز پلیس مواجه شدند. پلیس با آب جوش، گاز اشک‌آور و باتوم و گلوله‌های پلاستیکی به جان معترضانی افتاد که بسیاری از آنان زن و کودک بودند. نوارهای ضبط شده از این

¹ Kelly Thomas

² Joe Campos Torres

³ El norte

درگیری‌ها به خوبی گواه مظلومیت اقلیت لاتین تبار در جریان این درگیری‌ها است (Amnesty International, 1999).

خشونت علیه زرد پوستان

در قرن بیست میلادی، مهاجران زیادی از سراسر دنیا به آمریکا رفتند که در میان آنان، مهاجران زرد پوست از مناطق شرقی آسیا نیز دیده می‌شدند. عده زیادی از این مهاجران زنان چینی، تایلندی و ویتنامی بودند که به عنوان برده جنسی به آمریکا آمدند. حضور بی‌شمار زنانی از آسیا با عنوان بدکاره‌های زرد پوست در آمریکا و روسپی‌های چینی، تایلندی، ویتنامی و سایر زرد پوستان آسیایی، ذهنیت آمریکایی‌ها را درباره آسیایی‌ها مخدوش نمود. تجربه تلخ نظامیان آمریکایی در ویتنام نیز به تیره نمودن وجهه آسیایی-آمریکایی‌ها کمک کرد. این عوامل در کنار فقر محلات ویتنامی‌ها و چینی‌ها، موجب شد که پلیس به آنان سوء ظن داشته باشد و خشونت‌های پلیسی علیه آنان افزایش یابد. در سال ۱۹۹۹ میلادی، «دنی دان»^۱، یک زرد پوست دچار اختلالات ذهنی، مورد خشونت بی‌رحمانه پلیس قرار گرفت که منجر به قتل او شد (Amnesty International, 1999). در ۱۳ جولای ۲۰۰۳ میلادی نیز خشونت پلیس علیه یک زن آسیایی-آمریکایی که منجر به کشته شدن وی شد، خشم جامعه آسیایی-آمریکایی‌ها را به همراه داشت. در این حادثه، «کائو تی بیچ تران»^۲، یک زن ۲۵ ساله زرد پوست تنها به دلیل صدای گریه فرزندش به ضرب گلوله کشته شد (Jayadev, 2009).

خشونت علیه یهودیان ضد صهیونیسم

در میان یهودیان آمریکا، عده‌ای از مقامات دینی و خاخام‌های یهودی هستند که به دلیل مخالفت با رژیم صهیونیستی در میان آمریکاییان مورد تبعیض قرار می‌گیرند. از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی، این یهودیان در آمریکا حضور داشته‌اند و حتی برخی از آنان

¹ Danny Dunn

² Cau Thi Bich Tran

به دلیل مخالفت با رژیم اسرائیل به آمریکا مهاجرت نمودند. یهودی‌های مخالف صهیونیسم، یکی از اقلیت‌های آمریکا هستند که به نظر می‌رسد سانسور رسانه‌ای درباره آنان، حتی از سایر اقلیت‌های آمریکا نیز شدیدتر است، چرا که دسترسی به اطلاعات آنان و خشونت‌های پلیس علیه آنان به راحتی میسر نیست. یکی از برخوردهای خشونت‌آمیز پلیس با یهودیان ضد صهیونیسم مربوط به سال ۲۰۱۲ میلادی بود که در مطبوعات مختلف بازتاب یافت. بر اساس گزارشی از الیزابت فلاک^۱ در پایگاه یواس نیوز، در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ میلادی)، یهودیان معترض به برگزاری کنفرانس کمیته امور عمومی اسرائیل و آمریکا (آپیک) که در واشنگتن آغاز به کار کرد در مقابل محل کنفرانس تجمع کردند تا درباره نفوذ این لابی صهیونیستی در سیاست آمریکا به مردم هشدار دهند؛ اما با برخورد شدید و خشونت‌آمیز پلیس آمریکا روبه‌رو شدند.

خشونت علیه اقلیت مسلمان در آمریکا

جمعیت اقلیت مسلمان در آمریکا، یکی از موضوعات مورد مناقشه مؤسسات پژوهشی است و آمارهای متفاوتی در این رابطه وجود دارد. جمعیت مسلمانان این کشور، بین دو تا ده میلیون نفر تخمین زده شده است (Pew, 2011). مسلمانان به طور کلی و با هر سطحی از مشارکت اجتماعی^۰ سیاسی، با چالشی به نام اسلام‌هراسی در آمریکا مواجه هستند که پس از واقعه یازده سپتامبر و جنایات گروه تکفیری- تروریستی داعش در عراق و سوریه بر شدت آن افزوده شده است. این پدیده، محدودیت‌های زیاد و تبعات فراوانی را برای مسلمانان به بار آورده است. در آمریکا بسیاری از مسلمانان با وضعیت اقلیت دوگانه مواجه هستند، آن‌ها علاوه بر این‌که از لحاظ مذهبی در اقلیت هستند به دلیل تنوع نژادی، اقلیت نژادی نیز محسوب می‌شوند. در چنین وضعیتی برقراری و توسعه ارتباطات سیاسی، اجتماعی و مذهبی مسلمانان با غیر مسلمانان را بیش از پیش دشوار می‌سازد. همین امر تبعیضات گوناگونی اعم از تبعیض در اجتماع و تبعیض در برخوردهای

¹ Elizabeth Flock

حکومتی از جمله برخورد پلیس با مسلمانان را به دنبال دارد. جمعیت جوان و به سرعت فزاینده مسلمان در آمریکا در مقابل جمعیت پیر سفید پوست این کشور و اعتقادات آنان از جمله رعایت حجاب و پایبندی به مناسک اسلامی، خشم پلیس این کشور به آنان را به همراه داشته است. طبق گزارش «شورای روابط اسلام و آمریکا» تنها در سال ۲۰۰۳ میلادی، ۱۰۱۹ حادثه، خشونت، تبعیض و ایجاد مزاحمت علیه مسلمانان توسط پلیس و همچنین مردم آمریکا، گزارش شده است. از آنجا که این آمارها در زمره مسائل کلان امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رود، دسترسی به آمار دقیق و نیز مصادیق این خشونت‌ها، دشوار است. شورای روابط اسلام و آمریکا، بیش از ۸۰ درصد خشونت‌ها علیه مسلمانان را مربوط به ایالت‌های کالیفرنیا، نیویورک، آریزونا، ویرجینیا، تگزاس، فلوریدا، اوهایو، مریلند، نیوجرسی و اینویز^۱ و برخاسته از اقدامات دولتی برای ایجاد وحشت تصنعی از اسلام در این کشور دانست. در سال ۲۰۱۲، پلیس فدرال آمریکا (اف. بی. آی) اعلام کرد که اقدامات خشونت‌آمیز در این کشور علیه مسلمانان از ۱۰۷ مورد در سال ۲۰۰۹ به ۱۶۰ مورد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. در حالی که در همین دوره زمانی، اقدامات خشونت‌آمیز علیه یهودیان ۴ درصد کاهش داشته است.

ریشه‌های خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها

خشونت پلیس علیه اقلیت‌ها همان‌گونه که ابعاد مختلفی دارد، دلایل متفاوتی نیز دارد. کوبلر^۲ (۱۹۷۷)، ریشه خشونت پلیسی را بیشتر از جنبه‌های فردی مورد توجه قرار داده و معتقد است در صورت قتل یک عضو اقلیت به دست پلیس در شرایطی که مظنون بی‌گناه تشخیص داده می‌شود، باید این واقعه را در رفتارهای انفرادی پلیس خاطی و حالات رفتاری شخصی او جست‌وجو نمود. اما کانیا و مک‌کی^۳ (۱۹۷۷)، تقصیر را بر گردن اجتماعی که مظنون در آن بوده است می‌اندازند. البته این ادعا به این معنی نیست که جامعه

^۱ Illinois

^۲ Kobler

^۳ Kania & Mackey

اقلیت مقصر دانسته شود، بلکه در واقع آنان بر این باورند که ریشه‌های خشونت پلیسی را باید در ابعادی از جامعه اقلیت دنبال کرد که منجر به پیدایش سوء ظن همه جانبه پلیس به آن اقلیت خاص شده است.

بدین ترتیب یکی از دلایل و دیگر ریشه‌های خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها، ویژگی‌ها و ساختارهای اجتماعی جامعه اقلیت همچون بیکاری گسترده، فقر، بزه و نیز وجود نژادپرستی در لایه‌های مختلف جامعه است. محلات فقیر نشین آمریکا که عمدتاً محل سکونت اقلیت‌های این کشور است، همواره پلیس این کشور را با مشکل روبه‌رو می‌کنند. در بسیاری از موارد، نیروی پلیس داخلی برای درگیری با تبهکاران این محله‌ها و برخورد با اقلیت‌های سیاه پوست، سرخ پوست و یا لاتین تبار ساکن آن‌ها کافی نیست. این موضوع را هم خود پلیس و هم تبهکاران می‌دانند. بدین ترتیب، پلیس جان خود را برای ریشه‌کن کردن بزه در این محلات به خطر نمی‌اندازد، چرا که می‌داند تبهکاران در این محله‌ها به کمبود نیروی پلیس و ناتوانی آن‌ها برای مقابله با بزه واقف هستند. در این میان در مواردی که یکی از افراد این اقلیت، مورد ظن پلیس قرار می‌گیرد، احتمال اعمال خشونت بی‌دلیل پلیس سفید پوست علیه او زیاد است (Kania & Mackey, 1977).

این تفکر که فاصله طبقاتی در آمریکا پس از اعتراضات دهه شصت و در جریان جنبش‌های حقوق مدنی سیاهان در این کشور کاهش یافته است، توهمی بیش نیست. در واقع از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و حتی سایر حقوق سیاسی و شهروندی، نه تنها فاصله طبقاتی اقلیت‌ها با سایر مردم آمریکا که عمدتاً سفید پوستان را شامل می‌شود کمتر، بلکه حتی گسترده‌تر نیز شده است. در واقع تغییراتی که در اثر چرخش اقتصادی آمریکا از تولید کالا به تولید خدمات رخ داده، فاصله میان اقلیت‌ها با طبقه حاکم در آمریکا را بیشتر نموده است. چرا که اقلیت‌ها نیروی کار در تولید کالا هستند که از نیروی یدی خود استفاده می‌کنند؛ اما در اقتصاد خدماتی کنونی، نیروی کار قدرت فکر افراد است که در این روند طبقات حاکم با رویکردی تبعیض‌آمیز تمایلی به استفاده از سیاه پوستان ندارد.

کانیا و مک‌کی، همچنین ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی جوامع اقلیت را در شکل‌گیری خشونت پلیس علیه آن مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان معتقدند در جامعه مصرف‌گرایی همچون آمریکا، کوچک‌ترین کمبودهای اقتصادی- اجتماعی سبب شکل‌گیری بزه در میان اقلیت‌ها می‌شود و ابعاد گوناگونی از نژادپرستی را در جامعه پدید می‌آورد. بدین ترتیب که شاخص‌هایی همچون نرخ زاد و ولد، دریافت کمک‌های حمایتی و بسته‌های رفاهی، امکانات اولیه در زمینه مسکن، میزان موارد گزارش جرم به پلیس در میان هر محله اقلیت نشین، داشتن خودرو و میزان تحصیلات جوانان آن اقلیت در شکل‌گیری نگاه کلی جامعه که پلیس نیز بخشی از آن است نسبت به آن اقلیت مؤثر است (Kania & Mackey, 1977). بحث دیگری که موجب تشدید خشونت پلیس علیه اقلیت‌ها شده است، عدم رسیدگی مناسب قضایی به پرونده‌های پلیس‌های خاطی بوده است که در نهایت نوعی مصونیت برای پلیس ایجاد کرده و دست پلیس را برای برخوردهای خشونت‌آمیز بعدی باز گذاشته است. این مورد با نژادپرستی عمیق جامعه آمریکا عجین شده است. همچنین پوشش رسانه‌ای این اتفاقات نیز در شکل‌گیری مجدد آنان تأثیر زیادی دارد. این‌که رسانه‌ها به ویژه در آمریکا، انعکاس واقعیات جامعه است یا حقایق را آن‌گونه که سران حکومتی و مسئولان دستگاه‌های مختلف از جمله پلیس می‌خواهند، بازتاب نماید در تکرار این وقایع نقش مؤثری دارد (Weisburd, Greenspan, & Hamilton, 2000).

یکی دیگر از مباحث مطرح در رابطه با خشونت پلیس، فرهنگ حمل سلاح در آمریکاست. اسلحه در اذهان مردم آمریکا حضوری ماندگار دارد و فرهنگ آن‌ها فرهنگ سلاح است. سلاح با فرهنگ آمریکایی عجین و با تاریخ آمریکا در هم تنیده شده است. در سال‌های اولیه در جامعه تازه تأسیس آمریکا، ناامنی شدیدی حکمفرما بود. به علت جنگ‌های داخلی و حوادث اجتماعی و سیاسی مانند تبعیض‌های گسترده و سیستماتیک علیه سیاهانی که به عنوان برده از قاره آفریقا به آمریکا آورده شده بودند، داشتن سلاح ضرورتی

اجتناب ناپذیر بود. در حقیقت تبعیض و تنش به علت بی‌ثباتی، حمل سلاح را در آمریکا ضروری می‌کرد (Kleck, 2012).

آمریکا بالاترین آمار موارد جرائم خشونت بار دنیا را دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل آن نیز آزادی حمل سلاح گرم در میان مردم آمریکا است که به صورت قانون در آمریکا درآمده است. روند فزاینده جرائم خشونت آمیز و استفاده گسترده از سلاح گرم در آمریکا، تهدیدهای جدی برای امنیت فردی و اجتماعی شهروندان این کشور ایجاد کرده است. بدین ترتیب حق برخورداری از امنیت که از اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها محسوب می‌گردد، در ایالات متحده مرتب نقض می‌شود. در این کشور، به طور تخمینی بیش از دویست میلیون اسلحه شخصی وجود دارد و بر اساس گزارش مرکز آمریکایی کنترل و پیشگیری از نابهنجاری‌ها، سالانه سی هزار نفر در ایالات متحده با سلاح گرم کشته می‌شوند (میرطاهر، ۱۳۹۳). متمم دوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، حق نگهداری و حمل سلاح را به رسمیت شناخته است. سیاست‌های نادرست دولت آمریکا در خصوص تجارت آزاد سلاح گرم باعث می‌شود تا اعضای پلیس این کشور خواسته یا ناخواسته رفتارهای تهاجمی شدیدتری را در برخورد با مجرمان احتمالی به کار گیرند. در واقع این قانون، افسران پلیس آمریکایی را بسیار شکاک و ترسو بار آورده و باعث شده است تا به کوچک‌ترین حرکتی از جانب یک فرد اقلیت مشکوک شوند و آن را حامل سلاح گرم و تهدید کننده قلمداد کنند. افسران پلیس سفید پوست، اقلیت‌ها را به عنوان یک «دیگری خطرناک» قلمداد می‌کنند که قانون آزادی حمل سلاح به آنان آزادی جنایتکار بودن می‌دهد و به همین دلیل نیز گاه به سرعت و بدون واکاوی شرایط فرد مشکوک، به او تیراندازی و یا با رفتاری خشونت‌آمیز با او برخورد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌های این کشور و حتی مظنونان کودک و نوجوان گروه‌های اقلیت، نگرانی‌های زیادی در جامعه آمریکا به وجود آورده است. خشونت‌هایی که علیه

اقلیت‌ها در جامعه آمریکا توسط پلیس اعمال می‌شود، سابقه در نژادپرستی ریشه‌داری دارد که از دیرباز در ایالات متحده آمریکا، حکمفرما بوده است. مسئله خشونت پلیس در آمریکا از نگرانی‌های همه سازمان‌های بین‌المللی و نیز سایر کشورها به شمار می‌آید. تبعیض هدفمند علیه سیاه پوستان و سایر اقلیت‌ها در آمریکا به وسیله پلیس و دستگاه قضایی این کشور و سرکوب اعتراضات مردم، نشان بارزی از نقض حقوق بشر و رنگین پوستان در آمریکاست. در حالی که آمریکا سالانه گزارش‌های متعددی از نقض حقوق بشر در کشورها و دولت‌های مستقل منتشر می‌کند. رفتار خشن و غیر حرفه‌ای پلیس علیه اقلیت‌ها در آمریکا نهادینه شده است. سهل‌انگاری و مسامحه مقامات ارشد پلیس در برخورد با مأموران متخلف، موجب شده است تا افراد شاغل در تشکیلات پلیس نوعی مصونیت احساس نمایند و تقریباً بدون ترس از دادگاه و محاکمه، خشونت را در جامعه جاری نمایند. همچنین گرایش به خشونت در داخل آمریکا، ادعاهای واشنگتن را مبنی بر ایجاد دموکراسی در سایر نقاط جهان، زیر سؤال می‌برد؛ زیرا پر واضح است که آمریکا در این زمینه حتی در اجرای و تحقق دموکراسی در داخل این کشور و از میان بردن نژادپرستی ریشه‌دار علیه اقلیت‌ها در آن ناتوان بوده است و این دلیلی محکم است بر این‌که این کشور نمی‌تواند الگویی برای نظام جهانی باشد. مصادیق و نمونه‌های بررسی شده در ارتباط با خشونت پلیس آمریکا، تأییدی بر مفروضات ابتدایی این نوشتار است. بدین ترتیب که یکی از مهم‌ترین دلایل خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها، سابقه طولانی نژادپرستی سفید پوستان در این کشور است که موجب شده است نژادپرستی در درون حکومت آمریکا نیز ریشه بدواند و خشکاندن آن غیرممکن شود. همچنین دلایل فرهنگی و اقتصادی در کنار دلایل اجتماعی سوءظن به اقلیت‌ها از سوی پلیس و در نتیجه اعمال خشونت علیه آنان را بیشتر می‌کند. در حالی که نژادپرستی ریشه‌دار در آمریکا، باعث خشونت پلیس سفید پوست آمریکا در برابر اقلیت‌ها شده است، اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا نیز که امکان پیشرفت و رشد اقتصادی را از اقلیت‌ها سلب و آن‌ها را فقیر می‌نماید و نیز برخی معضلات فرهنگی و سیاسی این کشور همچون آزادی حمل سلاح سوءظن

پلیس اقلیت‌ها می‌افزاید. رأی دادگاه‌های آمریکا در تبرئه پلیس‌های خاطی در کنار عدم پوشش رسانه‌ای کافی و مناسب خشونت پلیس علیه اقلیت‌ها در رسانه‌های غربی، آمار خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها را همواره بالا نگه داشته است. شمار روزافزون خشونت‌های پلیس که منجر به کشته شدن اقلیت‌های بی‌گناه در آمریکا شده است و افزایش نگرانی و اعتراضات گسترده‌ای که در پی این خشونت‌ها نه تنها در آمریکا، بلکه در سایر کشورهای جهان و از سوی نهادهای مختلف حقوق بشر، بوجود آمده است؛ بیانگر ضعف‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گسترده حکومتی در آمریکا است. خشونت پلیس در آمریکا ارتباط با نژاد و اقلیت بودن ارتباط مستقیم دارد. خشونت پلیس نسبت به اقلیت‌های سیاه پوست، لاتین تبار، سرخ پوست و مسلمانان آمریکایی در مقایسه با سایر اقلیت‌ها، بیشتر است. رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز شبکه‌های بین‌المللی همچون پرس تی‌وی، عرصه مناسبی برای پرداختن به خشونت پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها و نقض حقوق بشر در این کشور است.

منابع

- ابوالفتح. امیرعلی. (۱۳۹۴). "ریشه‌های خشونت پلیس آمریکا". قابل دسترس در: <http://news.irib.ir/commentaries/item/66118>
- پایگاه خبری پلیس. (۱ شهریور ۱۳۹۴). "نتیجه خشونت مهارنشده پلیس آمریکا، ۶۰۰ کشته در ۸ ماه". قابل دسترسی در: <http://news.police.ir/NewsfullStory.doId=243966.html>
- تارنمای تحلیلی جهان اسلام. (۱۰ شهریور ۱۳۹۳). "کابوس بردگی و تبعیض نژادی در سرزمین کابوها". قابل دسترس در: <http://fa.alalamalislami.com/node/65281>
- تارنمای تحلیلی فرارو. (۳۰ خرداد ۱۳۹۱). "تاریخچه خشونت پلیسی در آمریکا". قابل دسترسی در: <http://www.fararu.com/fa۱۱۶۱۶۶/>

– میرطاهر، سیدرضا. (۲۳ اسفند ۱۳۹۳). "وضعیت حقوق بشر در کشورهای مدعی غرب". قابل دسترسی در تارنمای خبر و تفسیر برون مرزی:

<http://news.irib.ir/articles/item/64699>

- Amnesty International. (1999, September). **USA: Race, Rights and Police Brutality**. Amnesty International.
- Clarke, Rachel (November 25, 2014). "**Michael Brown shooting: What Darren Wilson told the Ferguson grand jury**". CNN. Retrieved May 20, 2016.
- Colby, L. S., Ortman M. J. (2015). **Projection of the size and composition of the US population: 2014-2060. Population Estimates and Projections: Current population reports**. Issued March 2015.
- Doak. M. J. (2008). **Minorities: Race and Ethnicity in America. Texas: Information Plus**.
- Harring, S., Platt. T., Speigman. R. & Takagi, P. (1977). **The Management of Police Killings**. Crime and Social Justice.
- Jayadev, Raj (May 28, 2009). "**How Little Cau Bich Tran's Death Taught Us**". Retrieved from http://www.sanjoseinside.com/2009/05/28/daniel_pham_sjpd_shooting/
- Kania, R., & Mackey. W. (1977). **Police Violence as a Function of Community Characteristics**. *Criminology*, 15(1).
- Kleck. G. (2012). **Guns and Violence: A Summary of the Field, School of Criminology and Criminal Justice**. Florida: Florida State University.
- Kobler. A. (1975). **Figures (and Perhaps Some Facts) on Police Killing of Civilians in the United States**. *Journal of Social Issues*, 31(1).
- Mirzoeff. Nicholas (2002). **The Visual Culture Reader**. 2nd edition. Routledge.
- People (2014). **The Obamas: How We Deal with Our Own Racist Experiences**. Retrieved from www.people.com/.../barack-obama-michelle-obama-ferguson-racism-racial-profiling-interview
- Pew (2011). Retrieved from <http://pewforum.org/newassets/images/reports/Muslimpopulation/Muslimpopulation.pdf>

- Smith, B., & Holmes. M. (2014). **Police Use of Excessive Force in Minority Communities: A Test of the Minority Threat, Place, and Community Accountability Hypotheses**. Social Problems, 61(1), 83° 104.
- Post. Washington (June 18, 2012). "**Rodney King, L.A. police beating victim. dies**". San Francisco Chronicle. Retrieved May 20, 2016
- Weisburd. D., Greenspan.R. & Hamilton, E. (2000, May). **Police Attitudes Toward Abuse of Authority: Findings From a National Study**. National Institute of Justice, 1-15.
- Weitzer, R., & Tuch, S. (2004). **Race and Perceptions of Police Misconduct. social problems**. 305° 325.
- Worrall, Patrick (2014, November 27). **FactCheck: do black Americans commit more crime?** Retrived from :
<http://blogs.channel4.com/factcheck/factcheck-black-americans-commit-crime/1943>